

محمد صالح جوکار، نماینده مردم یزد، اشکذر، زارچ و بخش ندوشن در مجلس مطرح کرد؛

افزایش اعتبار کالابرگ برای همه بود، نه بخشی از مردم

کالابرگ برای بخشی از مردم افزایش یابد، اما برای گروهی دیگر ثابت بماند؛ چراکه این طرح برای همه مردم در نظر گرفته شده بود.

دکتر جوکار افزود: در روند اجرای طرح، افزایش اعتبار برای برخی دهک‌ها پیش‌بینی شد، اما برای بعضی خانوارها چنین افزایشی در نظر گرفته نشد و از افراد نیازمند خواسته شد با مراجعه به سامانه مربوط، درخواست خود را ثبت کنند.

وی با اشاره به مشکلات اطلاعات مربوط به دهک‌بندی خانوارها تصریح کرد: اطلاعات موجود درباره افراد و دهک‌های درآمدی دقیق نیست و قرار نبود افزایش اعتبار کالابرگ به این شیوه محدود شود؛ بلکه وعده داده شده بود اعتبار این طرح متناسب با افزایش قیمت‌ها و تورم اصلاح شود.

دکتر جوکار با اشاره به ابهام‌ها در اطلاعات مربوط به دهک‌بندی خانوارها تأکید کرد: لازم است روند اجرای طرح و نحوه افزایش اعتبار کالابرگ مشخص شود و مشکلات پرداخت مطالبات فروشگاه‌ها نیز هرچه سریع‌تر برطرف شود.



باقی مانده است و سازمان برنامه و بودجه باید برای تسویه این بدهی‌ها اقدام کند.

نماینده مردم در ادامه با انتقاد از نحوه افزایش اعتبار کالابرگ اظهار کرد: قرار نبود اعتبار

شود تا با حذف واسطه، روند پرداخت‌ها مستقیم‌تر دنبال شود.

وی ادامه داد: بخشی از بدهی فروشگاه‌ها پرداخت شده، اما قسمتی از مطالبات همچنان

محمد صالح جوکار، نماینده مردم یزد، اشکذر، زارچ و بخش ندوشن در مجلس شورای اسلامی با اشاره به مشکلات اجرای طرح کالابرگ الکترونیکی، اظهار داشت: پس از حذف ارز ترجیحی قرار بود برای تأمین کالاهای اساسی، کالابرگ الکترونیکی به مردم اختصاص یابد و اعتبار آن به‌صورت ماهانه شارژ شود تا خانوارها بتوانند خریدهای خود را انجام دهند.

وی افزود: با افزایش شدید قیمت‌ها، اعتبار شارژشده در کارت‌های الکترونیکی نیز باید متناسب با تورم افزایش پیدا می‌کرد، اما این اتفاق نیفتاد. از سوی دیگر، به‌دلیل کمبود منابع، بخشی از وجوه فروشگاه‌هایی که کالاهای اساسی را در قالب کالابرگ به شهروندان عرضه کرده بودند، پرداخت نشد.

دکتر جوکار با اشاره به برگزاری جلسات متعدد در مجلس برای بررسی مشکلات این طرح گفت: در نهایت مقرر شد مسئولیت پرداخت مبالغ مربوط به کالابرگ به فروشگاه‌ها از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به سازمان برنامه و بودجه منتقل

روایت علیرضا تابش از افتتاحیه ی نخستین دوره ی جایزه ی «سرو هنر»؛

جایزه «سرو هنر»؛ آینه‌ای برای هنر یزد

شامگاه چهارشنبه ۲۹ مهر، شب خاطرات انگیز تالار مرکزی یزد، پیش از آنکه با سخن آغاز شود، با هنر دست آغاز شد. هنرمندان و مهمانان که رسیدند، به‌جای ورود به سالن، در سراسر ای تالار ایستادند و مکث کردند؛ جایی که هنر یزد نه در قاب، بلکه زنده و در حال تولد بود.

کارگاه‌های سفال و خشت‌زنی، طراحی و نقاشی، دارایی‌یابی، تصویرسازی، معماری و معرق‌کاشی، یکی‌یکی برپا بودند و مهمانان گرد آن‌ها حلقه می‌زدند. هنرمندان و استادکاران، بی‌آنکه منتظر تشویق باشند، مشغول آفرینش بودند. آنجا می‌شد با هنرمندان هم‌سخن شد، ایستاد تماشا کرد و بوی خاک خیس و رنگ را حس کرد.

در همین فضای خللاقی بود که صحنه‌ای، کمتر از هر سخنرانی اما عمیق‌تر از آن، حرف زد: هنرمندان دارای مولودیت سندروم داوون استان، در نقاشی و تئاتر، آثارشان را ارائه می‌کردند و اجرای زنده داشتند. آن‌ها در کنار هنرمندان حرفه‌ای ایستاده بودند و مرز «ها» و «آن‌ها» در همان دقایق نخست کمرنگ شد؛ نشانه‌ای از اینکه «سرو هنر»، هنر را نه امتیاز، که حق و توانایی می‌بیند.

کمی بعد، با تلاوت آیاتی از قرآن و اجرای سرود ملی، آیین رسمی آغاز شد. هنرمند باسابقه، دکتر محمود دهقان هراتی، دبیر رویداد، در سخنانی کوتاه «سرو هنر» را نه یک جشنواره ی مقطعی، بلکه رویدادی برای بازخوانی دستاوردهای هنری یزد معرفی کرد؛ جایزایی که می‌خواهد فراتر از مراسم سالانه، حافظه ی هنر استان را زنده نگه دارد. اما آنچه سالن را از یک مراسم رسمی متمایز کرد، اجرای گروه فرم و قطعات نمایشی همراه با موسیقی زنده بود. بیست‌وپنج دقیقه اجرای پیوسته که در آن، نقش کهن قالی‌های استان یزد در قالب تصاویری زیبا بر ویذنووال جریان داشت، موسیقی زنده با آن نفس می‌کشید و نمایش، پلی میان نسل پیشکسوت و نسل نو می‌شد.

سه حوزه ی رویداد امسال، یعنی موسیقی، هنرهای تجسمی و هنرهای نمایشی، در همین اجرا یک‌پسدا شدند و پیوندشان

واقعیت را ثبت کند، بلکه به این معنا که سیمای جامعه را در خود بگیرد و صادقانه بازتاب دهد.

همان‌طور که چیتی، ارکان، مشروطه و حسینی سال‌ها این‌دار این شهر بودند، نسل امروز نیز وارث همان آینه است. چه زیبا که در پایان، نماد «سرو هنر» با حضور هنرمندان، استاندار، معاون استاندار و دبیر رویداد رونمایی شد؛ نمادی که قرار است هر سال همین آینه را در برابر شهر بگیرد.

در این آیین، فقط هنرمندان نبودند. حامیان فرهنگ و هنر حضور داشتند و در کنارشان اعضای خاتمی هنرمندان، شاعران، روزنامه‌نگاران، نویسندگان و مدیران اجرایی و فرهنگی استان. علیرضا منصوری، کارآفرین و حامی هنر، نیز در جمع حاضران بود. این ترکیب هنرمند، حامی، رسانه و مدیر، دقیقاً همان «خانواده ی هنر» بود که «سرو هنر» از ابتدا وعده داده است؛ نه یک مسابقه صرفاً هنری، بلکه زیست‌بومی از جنس مراقبت و حمایت.

نام رویداد از «سرو» گرفته شده است؛ همان که سعدی در باب هشتم «گلستان» درباره‌اش گفته است: «حکیمی را پرسیدند چندین درخت نامور که خدای عزوجل آفریده است و برومند هیچ‌یک را آزاد نخواندند مگر سرو را که ثمرهای ندارد. گوئی در این چه حکمت است؟ گفت: هر یکی را دخلی معین است و وقتی معلوم، که گاهی به وجود آن تازه‌اند و گاهی به عدم آن پژمرده؛ و سرو را هیچ از این نیست، و همه وقتی خوش است و این است صفت آزادگان و در ادامه.....»

«گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم
ورت ز دست نیاید، چو سرو باش آزاد»
سرو آزاده است؛ نه اسیر نمره ی فوری، نه خمشده در سختی و همه ی فصل‌ها یکسان.

یزدی‌ها از دیرباز کمی‌اگر بوده‌اند؛ خاک کویر را به خشت، خشت را به شهر و شهر را به هنر بدل کرده‌اند. هنرمند یزدی خودش کمی‌اگر است. او منتظر نموده کسی نگاهش کند، بلکه با نگاه و مهارت خود، ماده ی ساده را به اثر بدل کرده

تصنعی نبود. می‌شد فهمید که نسل جوان یزد، سنت را نه به‌عنوان شیئی موزه‌ای، که به‌عنوان زبانی زنده به ارث برده است. در میانه ی شب، نوبت به یاد رفتگان کاروان هنر یزد رسید. اعلام شد که از شش هنرمند شاخص و فقید استان، به شیوه‌ای متفاوت تجلیل می‌شود.

استاد سید مهدی چیتی، نقاشی چیره‌دست که در محله‌ی میرقصب یزد بالید و هنر آیینی را با محمل و علم‌های عزاداری «حسینی ی ایران» پیوند زد.

استاد هاشم ارکان، بازیگر شاخصی که نخستین درس‌های نمایش را به نسل‌هایی آموخت که امروز خود استادند.

استاد علی‌اکبر شریعتی که با صبوری و جسارت، تئاتر یزد را پایه‌گذاری کرد. استاد محمود مشروطه، چهره ی محبوب و بازیگر توانمند سینما و عکاسی که هزاران تصویر از حافظه ی بصری شهر را به یادگار گذاشت.

استاد اصغر حسینی، موسیقی‌دانی عاشق که نت‌خوانی را بدون ساز و تنها با حافظه می‌دانست.

و ششمین نام که در حافظه ی شهر جای دارد. اما نکته ی خللاقیه ی شب هنر یزد این بود که در کنار این شش نام، پرتره ی استاد محمود رهبران، خوشنویس برجسته‌ی یزدی، نیز بر بوم نشست.

قاب، فقط یاد رفتگان نبود؛ پیوند رفتگان و زندگان بود. این پرتره‌ها را مهرداد طامه‌ری به زیبایی خلق کرد؛ نه در کارگاه، بلکه زنده روی صحنه. دوربین‌ها ضربه‌های قلمش را هم‌زمان بر ویذنووال نمایش می‌دادند تا همه ی حاضران، حتی در ردیف‌های دور، شاهد تولد تدریجی چهره‌ها باشند. در پایان، همه ی پرتره‌ها در یک قاب بزرگ و کنار هم نشستند؛ شش استاد فقید و یک استاد زنده، در آینه‌ای مشترک. گوئی تمام نسل‌های هنر یزد، از گذشته تا امروز، یک‌جا معرفی شده بودند.

حضور «آینه» در مراسم، نمادین و تأمل‌برانگیز بود. آینه فقط شیئی روی صحنه نبود؛ ایده‌ای بود که نفس می‌کشید. هنرمند، آینه‌دار زمانه ی خود است؛ نه به این معنا که فقط

است. اما هیچ سروی بدون خاک نمی‌ایستد. مردم یزد همان خاک‌اند و «سرو هنر»، اگر بخواهد سرو بماند، باید همین خاک را پاس بدارد و مردم را در متن نگه دارد، نه در حاشیه. «سرو هنر» نوباست و هنوز برگزیده‌ای را معرفی نکرده است که به او افتخار کند، اما دیشب نشان داد که پیش از جایزه، کار خودش را کرده است؛ دین، پیوند دادن و به یاد آوردن.

لازم می‌دانم در این مقال، از تلاش‌های همه ی هنرمندانی که در برپایی این رویداد دلسوزانه کوشیده‌اند، قدرانی کنم؛ به‌خصوص از احسان نیک‌محضر، مدیر اجرایی «سرو هنر»، که با حوصله و تدبیر، این رویداد را با کمک همکاری‌اش سرسازمان داد.

اگر همین مسیر ادامه یابد، این رویداد از یک مراسم به یک نهاد بدل می‌شود؛ نهادی که هر سال هنرمند جوان یزدی را تشویق کند روی همان صحنه بایستد و بگوید: «من از همان شب شروع کردم.»

و شاید مهم‌ترین درس جایزه ی «سرو هنر» همین باشد که هنر در سختی می‌روید. یزد از دل کویر، از دل کجایی و فقر، مواد هنری آفریده که میراث جهانی شده است. هنرمند یزدی از دیرباز یاد گرفته با خاک، با رنگ، با صدا و با حرکت، فرار و فرودها و سختی‌ها را تحمل کند و آن‌ها را به زیبایی بدل سازد.

در دورانی که چالش‌ها کم نیست، هنر می‌تواند تمرین تاب‌آوری باشد؛ نه فرار از واقعیت، بلکه زبان تحمل آن. اگر «سرو هنر» بتواند این زبان را تقویت کند، رساتش را انجام داده است.

حافظ این بیت را از سر حسرت گفته است:

«آنان که خاک را به نظر کمی‌ا کنند

آیا بود که گوشه ی چشمی به ما کنند؟»

اما دیشب، در تالار مرکزی یزد، ما پاسخ حافظ را دیدیم. کسانی که خاک را کمی‌ا کردند، بر صدر نشستند و دیده شدند و این، تازه آغاز داستان است.